

## روشن‌فکران

گذری و نظری بر خاطرات زنده‌یاد محمدجواد صاحبی

مبارزان انقلاب اسلامی «در کشاکش فرهنگ و سیاست»

■ علی احمدی فراهانی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، دربردارنده خاطرات زنده‌یاد محمدجواد صاحبی

است که از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی ضبط و از سوی انتشارات همان مرکز، روانه بازار نشر شده است.

تارنمای ناشر در معرفی این مجموعه – که به همت حجت‌الله علی محمدی تدوین گشته – نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است:
«ثبت و ضبط اسناد، مدارک و خاطرات افراد و گروه‌هایی که انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساندند و در تثبیت و استمرار آن کوشیدند، حائز اهمیت فراوانی است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی با درک صحیح این اهمیت و با هدف تبیین و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، به جمع‌آوری و تدوین خاطرات و اسناد بسیاری از مبارزان و خادمان انقلاب اقدام کرده است. آقای محمدجواد صاحبی از مبارزان جوان قبل از انقلاب است که در حوادث پیش و پس از آن، نقش ویژه‌ای ایفا کرده است. آنچه پیش رو دارید مجموعه خاطرات ایشان است که در پنج فصل به خوانندگان ارائه می‌شود؛ فصل اول به زندگی‌نامه، خانواده و تحصیلات راوی اختصاص دارد. در فصل دوم با عنوان قبل از پیروزی، از وقایع، حوادث و شخصیت‌ها در پیش از انقلاب سخن به میان آمده است. وقایع مربوط به پیروزی انقلاب و فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و انتشاراتی راوی در سایه پاسداران انقلاب اسلامی، در فصل



✔ زنده‌یاد محمدجواد صاحبی

سوم گنجانده شده است. وی در فصل چهارم، از حضورش در مؤسسه کیهان و مدیریتش بر کیهان اندیشه و ارتباط با اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی می‌گوید. فصل پایانی نیز به آثار و فعالیت‌های علمی وی در قالب بر گزاری کنفره‌ها اختصاص دارد…»

راوی فقید ضمن بازگویی رویدادهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به نکات جالبی پیرامون سفر فرح دلیا به شاهرود اشارت برده است.

وی در باب صحنه‌سازی‌های ساواک در فرایند استقبال از نامبرده چنین می‌گوید: «در سال ۱۳۵۲ یا ۱۳۵۳، فرح سا تبلیغات سنگین حکومتی به شاهرود آمد. ما با بعضی از دوستان‌مان مثل شهید تهرانی درصدد بودیم، عکس‌المعلی نسبت به این سفر تدارک ببینیم، ولی جو شهر را برای این کار آماده نددیم. این روز ما را تا ساعت ۵ یا ۵ بعد از ظهر که لحظه‌ورودش بود، در دبیرستان نگه داشتند و اجازه خروج به کسی ندادند! آنها جمعیت دانش آموزان را به استقبال فرح بردند… او هم یک مسیری را با جیب سرر باز طی کرد تا یک نمایشی داده باشد. از نکات جالب سفر فرح به شاهرود، این بود که آنها تلاش زیادی کردند روحانیون را برای استقبال از فرح بیاورند، ولی با اینکه روحانیت شهر ما غالباً انقلابی نبودند، هیچ کدام‌شان حاضر نشدند به استقبال از او به خیابان بیایند یا در این باره اقدامی انجام دهند. آنها هم که دیدند برای تبلیغات‌شان حضور روحانیت را لازم دارند و عدم حضور آنها ممکن است دردسرهای زیادی ایجاد و تبلیغات سفر را بی‌اثر کند، سراغ بچه‌های دبیرستان رفتند. فردی را که کلاس نهم یا دهم بود، ملیس به لباس روحانیت کردند. صحنه مضحکی شده‌بود، زیرا آن لباس به اندازه بدن او نبود و عمامه‌ای هم که بسته بودند، غیراستاندارد بود و این را حتی عوام‌الناس هم تشخیص می‌دادند و به آن می‌خندیدند! به هر حال او را در نقطه از خیابان‌های شهر نشاندند بودند که وقتی فیلم و عکس می‌گیرند، بگویند که بعضی از روحانیون هم حضور داشتند…»



«سربال‌های تاریخی در رسانه ملی و آسیب‌های پژوهشی» در گفت‌وشنود با دکتر عباس سلیمی‌نمین

# برخی فیلمنامه‌نویسان استناد تاریخی را قربانی درام می‌کنند!

■ **انوشه میرمعشری**

طبق نظر سنجی‌های رسانه ملی، در حال حاضر مجموعه نمایشی «سرزمین مادری» با ۳۵ درصد بیننده، پر مخاطب‌ترین سریال در حال پخش سیمای محسوب می‌شود؛ سریالی که علاوه بر داشتن درامی جذاب، شخصیت‌پردازی محکم، روایت‌کننده‌مقاطع مهمی از تاریخ معاصر کشورمان است، البته قطعا سرزمین مادری نیز مانند بسیاری از سریال‌های دیگر تاریخی، قابل نقد است و ایراداتی دارد. در تیتراژ این سریال، نام «عباس سلیمی‌نمین» به‌عنوان کارشناس تاریخ دیده می‌شود؛ پژوهشگر و نویسنده‌ای که عمری را در حوزه تاریخ معاصر و نقد و بررسی آثار تاریخی گذرانده و در کارنامه خود، کارشناسی چند سریال تاریخی دیگر را نیز دارد. به همین بهانه سراغ وی رفقیمت تا هم سوالاتمان را درباره جایگاه «کارشناس تاریخ» در سریال‌های تاریخی ببرسیم و هم گپ‌وگفتی درباره مجموعه نمایشی «سرزمین مادری» داشته باشیم.

**با توجه به اینکه شما در گذشته، سال‌ها به عنوان کارشناس تاریخ با صداوسیما همکاری کرده‌اید، آیا در بخش فیلم و سریال این نهاد، جایگاه خاصی برای متخصصان این حوزه، در ساخت مجموعه‌های تاریخی در نظر گرفته شده‌است؟**

بسم الله الرحمن الرحیم. در دوره آقای لاریجانی و سپس آقای ضرغامی اختاری در صداوسیما تعریف شده بود که بر اساس آن گروهی از کارشناسان تاریخ دعوت می‌شدند و فیلمنامه سریال‌های تاریخی که قرار بود ساخته شود، از سوی اعضای آنان خوانده می‌شد و در صورت تأیید در چند مرحله، به‌سوی تولید می‌رفت. این مراحل، از بخش پژوهش شروع می‌شد. در بخش نگارش فیلمنامه و تولید اثر ادامه پیدا می‌کرد و در نهایت بعد از آن، کار سریال از تلویزیون، با برگزاری جلسه نقد و بررسی پخش می‌شد. به اتمام می‌رسید، البته پیش از آن نیز جایگاهی برای کار پژوهش و کارشناسی در نظر گرفته شده بود، یعنی بودجه‌ای برای پژوهش در نظر گرفته می‌شد، اما در عمل هزینه نمی‌شد، چون متأسفانه نگاه بعضی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان درباره سریال‌سازی، یک نگاه کاملاً منفعت‌طلبانه بود و دنبال کم کردن هزینه‌ها بودند. سهل‌ترین بخش برای صرفه‌جویی را همان بودجه پژوهش می‌دیدند، اما وقتی آن ساختار تعریف شد که به

## سارپخ

تاریخ: ۰۶-۸۸۵۲۳



**بخشی از نویسندگان و کارگردانان بر این دیدگاهند که چون درام داستان مهم است، پس می‌توانند برای جذب مخاطب، به مژ تاریخ پایبند نباشند! این افسراد خیلی راحت واقعیت‌های تاریخی را قربانی درام داستان می‌کنند!**
**در آن دوره که گروه تاریخ در صداوسیما فعال بود و ما با کارگردانان و تهیه‌کنندگان زیادی از تباط داشتیم، افرادی بودند که در دادغده و اعتقاد کار می‌کردند، اما در مواردی که کم هم نبود، از برخی منفعت‌طلپی‌ها و رفتارهای سودجویانه، واقعا متأسف می‌شدیم**

**و «روزهای اعتراض» که شما به عنوان کارشناس تاریخی آنها بودید.دیدگاه‌تان در این باره چیست؟**

«روزهای اعتراض» از سریال‌های خوب، موفق و پربیننده بود.آقای علیرضا معتمدی، فیلمنامه‌نویس سریال، شخصیتی منطقی، معقول و متین بود. یک ارتباط خوب بین تهیه‌کننده امهران رسام‌ا، کارگردان احسین سهیلی‌زاده و فیلمنامه‌نویس و بنده به عنوان کارشناس تاریخ، هم در بخش پژوهش و هم در بخش تولید ایجاد شده بود که این تعامل مناسب باعث ساخت یک اثر پرکشش و پر محتوا شد. در آن سریال، خیلی خوب به موضوع انجمن حجتیه و دیدگاه‌هایش پرداخته شد. در عین حال رویارویی گروه‌های مبارز مسلمان با جریان سلطنت‌طلب و حتی جریان‌های سری و مخفی چون فراماسونری، بسیار مناسب نمایش داده شده بود. من حتی چند بار، به شهرک سینمایی رفتم و سر صحنه فیلمبرداری سریال هم حاضر شدم.

**به نظر می‌رسید سریال «کارآگاه علوی» حتی از روزهای اعتراض هم موفق‌تر بود؟**

در آن مجموعه، هم آقای ایریجیان، تهیه‌کننده همراهی می‌کرد و هم آقای حسن هدایت با یک دغدغه و اعتقاد جدی، به عنوان نویسنده و کارگردان در جلسات حاضر می‌شد.بعد از شهریور ۱۳۳۰ و فرار رضاخان از ایران، فضا شدیداً علیه سلطنت او بود و دربار برای آرام‌کردن مردم، دادگشایی را برای رسیدگی به شکایات مردم علیه پهلوی اول ایجاد کرد. کم‌کم شکایات مردم به این دادگاه زیاد شد، به طوری که موضوع و جزئیات برخی از این شکایات و پرونده‌ها، در مطبوعات آن زمان انعکاس می‌یافت، بنابراین شعبه رسیدگی به شکایات، متحمل شد‌ما در یک گروه پژوهشی، آن شکایات را درآوریم و قرار

شد. در هر قسمت یاد این‌هایت در دو قسمت، موضوع یکی از آن پرونده‌ها به شکل داستانی مطرح شد. آقای هدایت با صبر و هنرمندی، فیلمنامه کار آگاه علوی را نوشت. آن پژوهش‌ها و شخصیت‌پردازی خوب و فیلمنامه محکم، باعث شد مخاطبان از نتیجه پیوند تاریخ و هنر راضی باشند. این سریال در دوسری ساخته شد که خوشبختانه هر دو سری مورد اقبال قرار گرفت. به نظرم کاملاً استعداد این را داشت که بخش سوم آن هم ساخته شود که متأسفانه افرادی کارشکنی‌واژ ادامه ساخت آن جلوگیری کردند.

**چه کسانی مخالف ساخته‌شدن سری سوم آنها بودند؟**

بنده و آقای هدایت، هیچ وقت نفهمیدیم که این مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها از سوی چه کسی بود! اما به هر حال مشخص بود که کسانی از روشنگری علیه پهلوی‌ها و جریان‌های وابسته به آنها خوش‌شان نمی‌آید، به نظرم حتی این سریال قابلیت این را نیز داشت که به زبان‌های دیگر ترجمه و دوبله شود تا در کشورهای مختلف به خصوص در کشورهای همسایه که زخم‌خورده استعمار انگلیس بودند، پخش شود.

**در پژوهشی که به سفارش یکی از زیرمجموعه‌های صداوسیما و به‌همکاری چند تن از دوستان درباره سریال‌های تاریخی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی انجام دادیم، متوجه شدیم مجموعه‌هایی که کارشناس تاریخی نداشته، به اشتباهات و حتی تحریفات شدید تاریخی مبتلاست، اما سربال‌هایی که کارشناس تاریخی داشته، در نهایت دارای ایراداتی بوده…**

طبیعتاً همینطور است. بخشی از نویسندگان و کارگردان بر این دیدگاهند که چون درام داستان مهم است، پس می‌توانند برای جذب مخاطب، به مژ تاریخ پایبند نباشند! این افراد خیلی راحت واقعیت‌های تاریخی را قربانی درام داستان می‌کنند! در آن دوره که گروه تاریخ فعال بود و ما با کارگردانان و تهیه‌کنندگان زیادی از تباط داشتیم، افرادی بودند که با دغدغه و اعتقاد کار می‌کردند، اما در مواردی که کم هم نبود، از برخی منفعت‌طلپی‌ها و رفتارهای سودجویانه عوامل سازنده سریال‌ها، واقعا متأسف می‌شدیم.

**برویم سراغ سریال «سرزمین مادری». چطور شد کارشناس تاریخی این سریال شدید؟**

سرزمین مادری از جمله کارهایی بود که در آن جلسه گروه تاریخ مطرح شد و نظارت بر بخش تاریخی سریال بر عهده بنده قرار گرفت. این سریال برخلاف کار آگاه علوی، یک عقبه فیلمنامه‌ای داشت. آقای علیرضا طالب‌زاده، نویسنده فیلمنامه

کارگردان و نویسنده در برابر سوالات و نهادهایی که نسبت به تحریفات این رخداد مطرح می‌کردیم، پاسخی نداشتند.بنابراین تهیه‌کننده، بسیار عصبانی شد! می‌گفت: حاضر نیست فیلمش با این تقد‌ها پخش شود و در نهایت هم پخش نشد، اما مشکل اینجا بود که وی به‌طور کامل، پولش را گرفته بود و در واقع بودجه وقت زیادی که گذاشته شده بود، کاملاً به هدر رفت‌ا.

**ولی با همان جلسه نقد، جلوی پخش فیلم – که علاج‌جمل تاریخ بود– گرفته شد. اینطور نیست؟**

بله. آن جلسه نقد تاریخی سریال‌ها، بر کات زیادی داشت. مثلاً در سریال «مدافع فرح» که به کارگردانی آقای حسن فتحی ساخته شد، آقای عبدالله شهبازی کارشناسی تاریخ انجام می‌داد. سریال هم درام خوبی دارد و هم محتوای تاریخی‌اش خوب است، اما پایان‌بندی بی‌سپاس شعاری و حتی متضاد با محتوای کل سریال دارد! در آخر سریال که قطار از میان سارو و حبیب رد می‌شود و آنها به هم می‌رسند، یکجور پیام نمادین داشت و من به آن اعتراض داشتم.

حالا وقت نقد این سریال – که با حضور آقای شهبازی مرحوم آقای عماد افسروغ و بنده برگزار شد، تقدم را درباره پایبندی سریال بیان کردم. آنجا آقای شهبازی توضیح داد که اصلاً قرار نبوده‌این پایان سریال باشد!در واقع قرار بود که بر اساس طرح اصلی فیلمنامه، حبیب و سارا به جنوب لبنان بروند و به جبهه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی بپیوندند، اما آقای فتحی این مسئله را قبول نکرده و خودش یک پایبندی‌اشدن و حتی می‌شود گفت در جهت تقض جهت‌گیری سریال ساخته بود!آقای شهبازی خودش نسبت به آن پایبندیی سریال معترض بود. یاد هست که ابتدا، مرحوم افروغ از کار آقای فتحی دفاع می‌کرد، ولی وقتی توضیحات بنده را در مورد خلاف کار گردان شنیدم، همراهی و بر شعاری بودن آخر سریال تأکید کرد. این جلسات نقد باعث می‌شد، هم مدیران سیمادقت و هوشیاری بیشتری داشته باشند و هم مخاطبان متوجه بعضی ریزه کاری‌ها شوند.

**قاعدتاً در آن دوره سربال‌های تاریخی خاصی هم ساخته شد که موفق بودند و داده‌های تاریخی آنها صحیح بود. به عبارت دیگر و عملاً روایت درستی از زیست‌دوران داستان به مخاطب نشان می‌داد. مثل سربال‌های موفق‌تری چون «کار آگاه علوی»**



بود که داستان و درام را با استفاده مسیوطی از نماد، صورت‌بندی کرده بود.از اسم شخصیت‌های داستان گرفته تا صحنه‌ها، همه نمادین و آگاهانه انتخاب شده بودند. تهیه‌کننده، شخصیت بسیار ارزنده و همراهی نبود و آقای تبریزی هم در طول کار، سیاستمدارانه موضع می‌گرفت. بررسی مرحله به مرحله فیلمنامه، با حضور بنده و آقای مهدی ارگانی، امحمد مسعودا تهیه‌کننده، آقای کمال تبریزی کارگردان ا و خود آقای طالب‌زاده، در جلسات و به صورت تعاملی پیش می‌رفت. قسمت‌های خوب کار قاعدتاً تأیید می‌شد و جاهایی هم که مشکل داشت، با ساند و ادله ایراد می‌گرفتم. در خیلی از موارد با ابتکاری که خود نویسنده داشت یا پیشنهادی که بنده و آقای ارگانی می‌دادیم، ایراد کار برطرف می‌شد. مثلاً در ابتدا، سایه چپ بر کل فیلمنامه سنگینی می‌کرد. در این زمینه خیلی بحث‌شد که با گفت‌وگو و ادله‌ای که آوردیم، تعادلی از حضور چپ‌ها در کار ایجاد شد. نویسنده بخش مجاهدین خلق را هم، خیلی خوب از کار درآورد. البته از آنجا که آقای طالب‌زاده از همه اعضای گروه جوان‌تر نبود، یک جاهایی هم روی همان خصلت جوانی، ایراداتی را که به کار می‌گرفتم برطرف نمی‌کرد و کار خودش را می‌کرد!مثلاً خاطرم هست سر صحنه فرار رضاشاه از کشور که مادر رهی به شکل تصادفی سر راه او قرار می‌گیرد، بنده کلی سند و مدرک از کتاب‌های مختلف مثل کتاب تاریخ ۲۰ساله حسین مکی به ایشان نشان دادم که رضاشاه موقع فرار از کشور، با کاروانی از چند ماشین و تعداد زیادی چمدان حاوی طلا و پول از ایران خارج شد، اما ایشان سلیقه‌اش اینطور بود که نشان دهد، رضاشاه غریب و تنها و دست‌خالی از ایران فرار کرده است!

**با توجه به حاشیه‌هایی که ۱۰سال قبل برای این سریال پیش آمد و موجب اعتراض بختیاری‌ها شد، آیا قبل از تصویب فیلمنامه و ساخت سریال، به حساسیت‌های این قوم توجه شده بود یا بعداز ساخت با این شرایط مواجه شدید؟**

بحث بختیاری‌ها در همان زمانی که جلسات کارشناسی بر گزار می‌شد و آقای طالب‌زاده در مرحله نوشتن اصل فیلمنامه بود، به نویسنده و سایر عوامل سریال تذکر داده شده بود، چون به هر حال در میان قوم بختیاری هم انسان‌های فهمنی داریم که مایه فخر کل کشور هستند، هم آدم‌های خائن و به‌وطن و منافع مردم، مثل هر جماعت دیگری. کلاً همیشه تأکید دارم که نظرات کارشناسی ارائه‌شده در جلسات، باید مکتوب شود، چون وقتی فرد به شکل شفاهی بحثی را مطرح می‌کند، شاید نتواند حرفش را مستند کند، اما وقتی آن حرف مکتوب شود، مجبور می‌شود برای حرف و ادعایش، سند، دلیل و حجت بیاورد. به هر حال بعد از شروع پخش سریال، واکنش‌های مورد اشاره شما بروز کرد، البته باید بگویم که بخش زیادی از آن واکنش‌ها، کاملاً بازی سیاسی بود، ولی موجب شد پخش سریال با مشکل مواجه شود.

**پس از زبانی کلی شما از سرزمین مادری، مثبت است؟**

در کل سریال سرزمین مادری، یک سریال بر از ماجراجست که نویسنده در آن تلاش کرده، از هر دقیقهای برای انتقال یک پیام استفاده کند.

همانطور که اشاره کردید، از زبانی من از آنچه در جلسات کارشناسی گذشت و آنچه نتیجه کار شد، مثبت است. به واقع زمانی که یک کار پژوهشی خوب انجام می‌شود و نویسنده فیلمنامه خوبی می‌نویسد و یک گروه خوب به شکل تعاملی سعی می‌کنند، کار ایرادی نداشته باشد، سریال هم با اقبال مردم مواجه می‌شود، اما تذکر این نکته را لازم می‌دانم که نویسنده فیلمنامه در کنار اینکه قلم توانمندنی دارد، گرتر به‌رادر خوبی نیز هست، مثلاً ایشان از زمان «از‌های سرزمین من» رضا برهانی، نمادگذاری‌هایی را عیناً کپی کرده بود که با وجود بحث زیاد در جلسات بررسی فیلمنامه، برخی خطاهای خود پافشاری می‌کرد!نقش مؤثر دادن ببه عبدالکریم ایادی (پژشک بهائی مورد اعتماد پهلوی آخر) در تباط با شخصیت اصلی فیلمنامه هم، به خاطر عنایت به درام بود تا متمهد به تاریخ بودن.

**با توجه به اینکه در سالیان اخیر، سربال‌های تاریخی‌ای ساخته شده که ملول از داده‌های غلط بوده و به ایجاد درام، رسماً تحریفاتی را به خورد مخاطب داده است، چه پیشنهادی برای ساخته‌شدن سربال‌هایی با داده‌های صحیح تاریخی دارید؟**

به نظرم حتماً باید آن واحد کارشناسی در بخش تاریخ صداوسیما، با حضور کارشناسان احیا شود، چون بحث‌های تاریخی، بحثی نیست که به راحتی بشود در موردش نظر داد و تصمیم گرفت. اینکه از بین روایت‌های متعدد تاریخی، روایتی صحیح و جامع را بیاوریم، باعث می‌شود تا اثر خوبی تولید شود تا ذهن مخاطب را رشد دهد. به ویژه درباره سربال‌هایی که مخاطب عام‌تر و متنوع‌تری دارد و در بستر تاریخ روایت می‌شود، باید سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد. باید یک گروه از کارشناسان تاریخی باشند تا از پژوهش تا نوشتن فیلمنامه و بعد در هر مرحله ساخت اثر بر آن نظارت کنند تا هم داده‌های تاریخی‌اش صحیح باشد و هم زیست درستی از آن دوران به مخاطب نشان داده شود. بخش نقد سریال هم باید بسیار جدی گرفته شود. این نقد، هم تلنگری به ذهن مخاطب می‌زند و هم عوامل سازنده سریال را رشد می‌دهد. در واقع، آنها را وادار به دقت بیشتر می‌کند، البته نمی‌دانم بر شرایط کنونی، برنامه‌ای برای ساخت سریال‌های تاریخی فاخر وجود دارد یا خیر؟